سخنرانی مسجد مجتهدی - جلسه 10

أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيم

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيم

الْحَمْدُ لِلهِ رَبِ الْعالَمِينَ؛ بارِئِ الخَلائِقِ أجْمَعينَ؛ وَ صَلَّي اللهُ عَلي سَيِّدِ الأنْـبِياءِ وَ المُرْسَلينَ، حَبيبِ إلهِ العالَمينَ وَ خاتَمِ النَّبيّينَ، أبِي القاسِمِ مُحَمَّد، وَ عَلي أهْلِ بَـيْتِهِ الأطْيَبينَ الأنْجَبينَ، الهُداةِ المَهديّينَ، سِيَّما مَوْلانا وَ سَيِّدِنا الإمامِ الْمُبينِ وَ الكَهْفِ الحَصينِ وَ غِياثِ المُضْطَرِّ المُسْتَكينِ وَ خاتَمِ الأئِمَّةِ المَعْصوُمينَ صاحب الهيبه العسكريه والغيبه الالهيه مولانا و سيد نا وامامنا وهادينا بالحق القائم بامره و لعنه الله علی اعدائهم ابدالابدين

چشمه هرقدر بزرگ و ریشه‌دار باشد، عاقبت در اثر تابش آفتاب و حرارت زمین می‌خشکد. شما در دنیا نمی‌توانید چشمه‌ای را پیدا کنید که چهار هزار سال مانده باشد، بالاخره آفتاب که از بالا می‌تابد آن را بخار می‌کند و به هوا می‌فرستد و بعد پراکنده می‌شود. و لو بعد باران باز بیاید، ولی باران جبران و تلافی مافات را نمی‌کند، حتی اگر سالی یک قطره از آن کم شود، بالاخره خشک خواهد شد.

اللهم الا این‌که این چشمه اتصال به دریا پیدا کند، به آتلانتیک، اقیانوس آرام، به این اقیانوس‌ها و دریاهای بزرگ اگر اتصال پیدا کرد، آن دیگر خشک شدنی نیست. هرچقدر آفتاب بتابد، هرقدر باد بیاید، آن را نمی تواند خشک کند،

چرا؟

زیرا که ریشه آن به دریا متصل شده و اتصال به دریا پیدا کرده است. دریا خشک شدنی نیست، مگر در فنای کلی، قبل از قیامت، فنای کلی می‌شود، آن‌وقت کوه و دریا و صحرا و زمین و آسمان و آفتاب و ماه، همه از بین می‌روند. تا قبل از فناء کلی، دریا باقی است. آن هم که متصل به دریا شد، به بقاء دریا، باقی است، زیرا روزنه به آن‌جا پیدا کرده است و پیوند با دریا گرفته است، خشک نمی‌شود .

از این جامع المقدمات خوان شما، از آن کسی‌که اول وارد می‌شود و کتاب امثله می‌خواند، تا برسد به آن عالم متبحر فقیه اصولی خارج‌خوان شما، که دوره سطح را دیده است، کفایه، رسائل،

مکاسب و متاجر را، همه را خوانده است، بعد از خارج جزوه‌نویسی می‌کند و بعد هم خود او مدرس می‌شود، از این پائین تا آن بالا، همه شما چشمه هستید. چشمه‌های کوچک، چشمه‌های بزرگ‌تر، چشمه‌های خیلی بزرگ، مثل چشمه سبز خراسان ما که چشمه‌ای در کله کوه است. بیست، بیست و پنج، سی سال، بلکه چهل سال پیش، من رفتم، آن‌قدر بزرگ است که از تفنگ که گلوله در می‌کردند، گلوله از این‌طرف به آن‌طرف نمی‌رسید، درون آب می‌افتاد. کله کوه هم هست، آب آن، حالا کم شده است، بالاخره خشک خواهد شد.

اما آن‌که روزنه به دریا دارد و اتصال به اقیانوس دارد، نه کم می‌شود و نه می‌خشکد.

شما، از آن امثله‌خوان شما تا شیخ مرتضی انصاری شما تا شیخ طوسی شما و علامه حلی شما، چشمه هستید و می‌خشکید، در همین دنیا می‌خشکید. اگر بخواهید نخشکید، اگر بخواهید به حیات معنوی کلی، زنده شوید، چاره‌ای نیست، باید به اقیانوس علم دنیا، اتصال پیدا کنید، یعنی آن وجود مقدسی که تمام علوم اولین و آخرین را به او داده‌اند. از حضرت آدم7 تا حضرت خاتم9 و از حضرت خاتم9 تا الان که ما زنده هستیم، هر علمی که در دنیا بروز و ظهور کرده است، همه را، چه الهیات، چه طبیعیات، چه ریاضیات، چه قدیم آن، چه جدید آن، چه علوم کلامی، علوم فلسفی، از هر علمی که در دنیا آمده است، همه را روی هم بریزید، آن‌ها دو حرف است، بیست و پنج حرف دیگر در سینه امام زمان7 است که وقتی ظاهر شود، آن‌ها را ظاهر می‌کند. یعنی دوازده و نیم برابر تمام علومی که از زمان آدم تا الان، در روی کره زمین ظاهر شده است، یک دوازدهم و نیم علم‌هایی است که در زمان ظهور موفور السرور امام عصر اروحناه فداه ظاهر خواهد شد.

حالا یک بیانات مفصلی دارد که وقت ندارم. آن اقیانوس علم خدا است، ؟؟؟ 9 « ... علم الله» او خزانه وحی خدا است، آن گنجینه قدرت خدا است، او محل معرفه الله است، هرچه که بخواهیم او است، او یدالله است، او عین الله است، او اذن الله است، او لسان الله است، او ید الله است، او نفس الله القائمه بالسنن است، تمام تجلیات اولوهیت، از مشکاه وجود ایشان خواهد شد. باید خودتان را به او بچسبانید.

طلبه باید از همان اولی که به او تعلیم می‌کنند: «اول العلم معرفه الجبار و آخر العلم تفویض الامر الیه» [1] ، باید راه خدا را برود، راه خدا، امام زمان است، زیرا صراط الله، آن‌ها هستند. باب الله این‌ها هستند، باید با امام زمان آشنایی پیدا کنید، شما را معطل نکنم، خیلی ساده می‌گویم.

باید با امام عصر اروحناه فداه، پیوند بگیرید. باید با حضرت آشنائی پیدا کنید. اگر آشنایی با حضرت پیدا نکردید، در علم، اسکلت خشکی هستید.

در مغازه‌ها دیده‌اید؟ پشت ویترین‌ها، خانم‌های قشنگ شیک مقوائی می‌گذارند.

آن صورتی دارد که چون گور کافر پر خلل   اما باطنش قهر خدای عزو جل

ظاهر خوبی دارد.

یک وقتی صبحی ساعت نه بود، بنده خیابان لاله‌زار درکوچه برلن رفتم، می‌خواستم منزل یکی از دوستان خود بروم، احوال او را بپرسم، ساعت نه صبح بود. نزدیک کوچه برلن که رسیدم، دیدم سه تا از آن خانم‌های مادمازل مدل هفتاد و پنج و هفتاد و شش، آن‌جا ایستاده‌اند. من تعجب کردم که آن‌ها این‌وقت روز چه کار می‌کنند؟ زیرا آن خانم‌ها تا ساعت ده خواب هستند، شب را تا صبح مانند سگ‌ها بیدار هستند. صبح که می‌شود تا ساعت ده به خواب می‌افتند، ساعت ده که می‌شود، تازه یک ساعت هم آرایش آن‌ها طول می‌کشد، بعد ساعت یازده و نیم کیف‌ها را به دست می‌گیرند و خیابان می‌آیند و قدم می‌زنند. ساعت نه آن‌ها چه کار می‌کنند؟

در این حیرت بودم، نزدیک آمدم، دیدم سه تا خانم مقوایی پشت ویترین هستند.

مجسمه‌ای بی‌روح است. ملایی که ارتباط به امام زمان نداشته باشد، و لو علامه دهر باشد، به قدر پوست پیازی قیمت ندارد، یک مجسمه خشکی است، و لو اصول را کاملاً بلد باشد، و لو در فقه استاد دهر باشد، و لو در فلسفه بوعلی‌سینا باشد، این علوم ظاهریه را، تمام داشته باشد، این‌ها علم قال است.

شیخ بهائی می‌گوید:

ایـــها القوم الذی فـــی المدرسه   کل ما حـــصلتموه الوســـــوسه

این علم، قال است، علم قال، اگر در آن حال نباشد، یک پول نمی‌ارزد، اگر یک سر سوزن حال و معنویت در آن بود، آن قیمت دارد. حال و معنویت به اتصال و ارتباط با امام عصر7 است

باید شما طلبه‌ها در تمام مراحل تحصیلات خود، تدریس، تدرس، مطالعه، پیش مطالعه، مباحثه،

این را به شما طلبه‌ها می‌گویم، عوام نمی‌دانند پیش مطالعه به چه معنا است.

در تمام مراحل باید مستمد از امام زمان7 باشید. یعنی آن وقتی‌که می‌خواهید مطالعه کنید، شب یا روز که می‌خواهید مطالعه کنید، کتاب را که بازکردید، بگویید: «صلی الله علیک یا بقیه الله فی الارضین، عجل الله تعالی ظهورک و فرجک»

یک سلامی خدمت حضرت عرض کنی و از او مدد بخواهی که هم تو را مدد در مطالعه کنند تا خوب بفهمی و هم تو را در روحانیت و تقوای تو مدد بفرمایند، که این علم، لله تحصیل شده باشد و فی الله به کار بیافتد.

ما ؟؟؟ 14:45 خیلی داریم که استاد در نحو هستند. یکی از آنان، ابن هشام، صاحب کتاب مغنی است. کتاب مغنی کتابی است که یک دوره نحو را به جمل و مفردات آن دارد،

ولی چیست؟

یک پوسته خشک بدون مغز است. هیچ نورانیت و روحانیت، نه در کتاب و نه در او نیست، با اینکه پانزده جزء قرآن را به عنوان استشهاد در این هشت باب مغنی نقل کرده است، معذلک کله نورانیت ندارد.

باید موقع مطالعه متوسل به امام زمان بشوی، استمداد از حضرت بگیری، موقع مباحثه همان‌طور، موقع درس هم همین‌طور، درسی که می‌خوانید و درسی که می‌دهید،

طلبه‌ها به شما دارم می‌گویم، شما در بهترین حال خود باید متوجه امام زمان باشید،

بهترین حال شما چه موقع است؟

وقتی‌که نماز می‌خوانید، اولاً نمازهای شما طلبه‌ها با نماز عوام‌ها باید فرق داشته باشد. باید در نماز شما، طمانینه باشد. در نماز شما حضور قلب باشد، در نمازهای شما، قدری مستحبات باشد، در رکوعش، در سجودش، در قنوتش، بعضی از دعاهای مستحبه را بخوانید. نماز شما با نماز عوام باید از این جهت فرق داشته باشد که آدابی را که ذکر شده، فرائض آن خیر، سنن آن، آداب 16:35 ؟؟؟ نماز را حتی‌المقدور رعایت کنید. اذان، اقامه، تکبیرات سبعه افتتاحیه، فیمابین تکبیرات، دعاهای وارده، یک مقدار کمی هم بعد از ختم نماز، تعقیبات وارده، یک جمله الناحیه بگیرید، دعاهای مختصرکوچک کوچک دارد و یاد بگیرید، نماز خود را هم یک خورده چرب‌تر بگیرید، روغن داغ آن را بیشتر کنید.

آن‌وقت نماز، بهترین حالات است، «المصلی مناج ربه» [2] ، معنی این روایت را فهمیده‌اید.

در باب نماز روایات بسیار داریم، یک روایت: «الصلوه خیر موضوع من شاء اثقل من شاء استکثر» [3] ،

نماز بهترین کارها است، هرکس می‌خواهد این کار بهتر را بیشتر کند، بکند، هرکس می خواهد کمتر کند، کمتر کند.

«الصلوه معراج المومن» [4] نماز پلکانی است، نردبانی است که مومن از این نردبان تا بالای عرش می‌رود.

«المصلی مناج ربه» [5] ،

مناجی از باب مفاعله است، ناجی یناجی مناجاه، که مناجاه بین اسم فاعل و مفعول مشترک است. ثلاثی مجرد آن از «نَجی» است، نجوا و مناجاه هر دو یک ماده است، آن باب مفاعله است و این ثلاثی مجرد آن است.

نجوا چیست؟

نجوا صحبت کردن خلوت بین گوینده و شنونده است، گاهی سر گوشی می‌کنید، (انما النجوی من عمل الشیطان) [6] ، در قرآن داریم، سر گوشی می‌کنید، او دل می‌دهد و تو قلوه می‌دهی، تو حرف می‌زنی و او گوش می‌دهد، با هم خلوت کرده‌اید و در خلوت دارید اسرار را به هم می‌گویید، این را نجوا می‌گویند.

نماز، نجوای بنده با خدا است. موقع نماز، موقعی است که دربار الوهیت، شما را بار می‌دهد که با خود خدا خلوت کنی و با خود خدا حرف بزنی. او با تو حرف می‌زند، تو با او حرف بزنی. نماز بین بنده و بین خدا تقسیم شده است، نصف نماز تقریباً مال خدا است، نصف آن مال بنده است. سوره حمد بین بنده و خدا تقسیم شده است، (الحمدلله رب العالمین) حمد مال تو است، الله و رب‌العالمین برای او است. (ایاک نعبد و ایاک نستعین) ایاک برای خدا است و نعبد برای تو است. ایاک برای خدا است و نستعین آن برای تو است. اهدنا، (اهد) برای خدا است، (نا) آن برای ما است.

این یکی،

دوم،

سور قرآنیه آن کلام خدا است. در (الحمدلله رب العالمین) و (قل هو الله احد) خدا با تو حرف می‌زند.

این‌جا یک نکته هم بگویم، شما اهل علم هستید، من شما را محترم می‌دانم. من برای شما عظمت قائل هستم، باید نماز شما باید سنگین‌تر باشد، دنبال سوره کوچک نگردید، (انا اعطیناک الکوثر) [7] که زود تمام بشود.

شما باید در نمازهای خود سور متنوع قرآن را بخوانید، سوره (سبح اسم ربک الاعلی) [8] سوره (یسبح لله ما فی السموات و ما فی الارض) [9] این سوره‌ها را در نمازهای خود بخوانید. ؟؟؟ 21:15 به (قل هو الله) تنها قناعت نکنید. و اختصار به سوره‌های کوچک نکنید، سوره‌های مفصل‌تر را حفظ کنید و بخوانید، نورانیت قلب شما زیاد می‌شود، انواع فیوضات و انحاء برکات الهیه شامل حال شما می‌شود.

سوره های قرآن، حرف زدن خدا با شما است، زیرا قرآن، کلام الله است. ذکر رکوع و سجود و قنوت، سخن شما با خدا است. شما می‌گوئید:

«سبحان ربی العظیم و بحمده»، «سبحان ربی الاعلی وبحمده»، «سبحان الله و الحمدلله ولا اله الله و الله اکبر»،

دعاهای قنوت، «ربنا اغفر لی لما تحب و ترضی» (ربنا لاتزع قلوبنا بعد از هدیتنا) (رب اغفر و ارحم و تجاوز عما تعلم)،

این دعاها.

یک کتابی است، خدا مرحوم آقای شیخ محمد باقر شهیدی گلپایگانی را رحمت کند، پیش نماز مسجد توتونچی، آن خدا رحمت کرده، ربناهای قرآن را جمع کرده و آن را چاپ کرده است. آن را اگر ندارید، درخواست کنید از حضرت آقای مجتهدی دستور بفرمایند از کتاب فروشی‌ها برای شما بیاورند، اگر هم دارید، آن دعاهایی که آیات قرآن را در آن جمع کرده است، در قنوت بخوانید.

قنوت شما، رکوع شما، سجود شما، تسبیحات اربعه شما، سخن گفتن شما با خدا است. سوره مبارکه الحمد، سخن گفتن خدا با شما است، سور قرآن، چه سوره‌های طولانی و چه سوره های کوتاه کلام خدا با شما است.

پس نماز نجوایی بین شما و خدا است، سر به گوشی کرده‌ای، خلوت، خدا به شما بار داده است، برای شما وقت معین کرده است، گفته است: همچنان که آفتاب از نصف النهار گذشت، بیایید خلوت با خود من حرف بزنید، من با شما حرف می‌زنم، شما با من حرف بزنید. «المصلی مناج ربه» [10]

این معنای مناج ربه بود.

خوب،

دراین خلوت که بهترین اوقات شما است، در این خلوت که مستقیم با خود خدا سرگوشی می‌کنید و حرف می‌زنید، آن‌جا بایستی شما امام زمان را فراموش نکنید.

طلبه‌ها، در نماز، باید شما دعا کنید و از خدا سلامتی امام زمان خود را بخواهید و از خدا تعجیل در فرج امام زمان را بخواهید. فرج او را فراموش نکنید.

پدر شما او است، معلم شما او است، دریای علمی که اگر به او اتصال پیدا کردید، خشک نمی‌شوید، او است. شما نوکر او هستید، شما نوکر امام زمان هستید. آن حاج آقایی که صبح تا شام، فکر او، پول در آوردن است، او پیوندی با امام زمان ندارد. آن اداری که از صبح تا شام، در فکر کارهای خود است، کارهای صحیح او یا کارهای ناصحیح، برداشتن کلاه، کاری به امام زمان ندارد.

و هکذا و هکذا.

من باکی از این حرف‌ها ندارم و ترسی هم از کسی ندارم و طمعی هم ندارم، من باید حقایق را بگویم.

آن‌ها خیلی خود را بکشند، اسم آن‌ها شیعه امام زمان است. اسم آن‌ها نه رسم آن‌ها، آن‌ها پیروی امام زمان را نمی‌کنند نوعل. شیعه را شیعه می‌گویند به جهت آن‌که دنبال سر مولای خود می‌رود و قدم جای قدم مولای خود می‌گذارد.

حالا واقعاً آن کسبه قدم جای قدم امام زمان می‌گذارند؟ آن کلاه بردارها،

به خود بنده فاستونی را تومانی سه قران گران‌تر انداخته‌اند، خدا می‌داند که با مردم ساده چه کار می‌کنند؟

آن‌ها نوکر امام زمان هستند؟

ابداً.

آن کسی‌که نوکر امام زمان است، شما طلبه‌ها هستید. از عیش و نوش و پول همه این‌ها گذشته‌اید، این بچه مدرسه‌ای‌ها، شش انگشت ندارند که شما پنج انگشت داشته باشید، آن‌ها هم پنج تا انگشت دارند، هوش و ذکاوت آن‌ها بیشتر از شما هم نیست، آن‌ها می‌روند دوازده یا هجده سال درس می‌خوانند، بعد دکتر یا مهندس می‌شوند، بعد خدا می‌داند چقدر حقوق به او می‌دهند و چقدر هم به جیب می‌زند، ماهی ده، بیست، سی هزار تومان. شما هم اگر بروید مثل آن‌ها می‌شوید و این مطالب را می‌دانید، به همه این‌ها پشت پا زده‌اید و بی‌اعتنایی کرده‌اید. آمده‌اید در این مدرسه، با نان پنیر و گوشت ساخته‌اید و دارید درس دین و مذهب می‌خوانید.

پس شما نوکر امام زمان هستید. شما پروانه‌های دور شمع وجود امام زمان هستید، شما پاسبان‌ها و پاسدارهای اطراف منزل معنوی امام زمان هستید، شما با دیگران باید امتیاز داشته باشید. شما باید دائماً به فکر آقای خود باشید. آب و نان از دهان شما می‌افتد، اسم امام زمان از دهان شما نباید بیافتد. هر فکری، اگر از خاطر شما محو می‌شود، فکر آقای خود، مولای خود، سید خودتان، پدر معنوی خودتان، شاهنشاه حقیقی شما، امام زمان، از فکر شما نباید محو بشود. شما باید هر صبح با حضرت تجدید بیعت کنید، یعنی متذکر حضرت شوید، یعنی زیارت‌های وارده را بخوانید.

از من بشنوید. زیارت «سلام علی آل یس السلام علیک یا داعی الله و ربانی آیاته» را که جزو زیارات وارده در سرداب مطهر است، بخوانید. مرحوم حاج شیخ عباس اعلی الله مقامه درکتاب مفاتیح در طی زیارت‌های وارده در سرداب مطهر ذکر فرموده‌اند.

آن دستور خود حضرت است، خود حضرت فرموده‌اند: هرگاه خواستید ما را زیارت کنید و متوجه ما باشید این‌طور متوجه ما شوید. آن زیارتی است که خود حضرت دستور داده است.

و من زیاده برای شما حرف نمی‌زنم، کتاب از حفظ کرده باشم، بیایم به شما تحویل بدهم، نیست، پیشتوانه حرف‌های من کوه ابوقبیس است. بزرگان، آن بزرگانی که شما به خواب شب هم دیگر نخواهید دید، تخم آنان را ملخ برداشت. و من دیده‌ام. آن بزرگان در روز دوشنبه و پنجشنبه که روز عرض اعمال به امام زمان است، هفته‌ای دو روز، با این‌که حضرت بنا به مقام امامت خود، به تمام ذرات این عالم احاطه علمی دارد، ولی روی نظم و انضباط اداری، هفته‌ای دو روز، اعمال شما را می‌برند و بر حضرت عرضه می دارند. که مثلا فرض بفرمایید جناب آقا شیخ محمد تقی یا آمیرزا محمد علی، طلبه مدرسه علوم دینیه، در مسجد آقا میرزا جعفر، در اتاق فوقانی جنب

مدرس، ایشان این اعمال را داشته‌اند. این نماز ایشان بوده است، این دعایشان بوده است، این تحصیل ایشان بوده است. کاسب و تاجر و غیره.

اداری‌ها را نمی‌برند زیرا احتیاج ندارند! شوخی کردم،

همه را می‌برند. خواب آن آقا را هم در مسجد پای منبر می‌برند. همه این حرف‌ها را می‌نویسند و اعمال و اقوال را، حضور امام عصر ارواحنا فداه می‌برند و عرضه می‌دارند.

بزرگان، اکابر عظیمی که لنگر دنیا بودند، من آن‌ها را دیده‌ام. آن‌ها در روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه این زیارت را مادام‌العمر تا آخر عمرشان تعطیل نمی‌کردند.

شما طلبه‌ها از حالا به یاد داشته باشید، می‌دانم کسی نیست این حرف‌ها را به شما بگوید، چاره‌ای ندارم، مقداری باید تذکر بدهم. اگر در این وادی بیافتید، از من خیلی از این حرف‌ها خواهید شنید و خیلی چیزها یاد می‌گیرید.

شما طلبه‌ها باید همه روزه متوسل به حضرت شوید، هر صبح امام زمان خود را زیارت کنید.

یک توسلی هم هست که مرحوم آقا شیخ عباس رحمه الله علیه، در همین مفاتیح به عنوان دعای توسل «سلام الله الکامل التام الشامل» نوشته‌اند، این سلام را شما هر صبح به امام زمان بدهید.

الحمدلله کتاب مفاتیح در کتابخانه شما خیلی است، اصلاً بردارید بنویسید، ، حفظ کنید.

من در سن شما که بودم، دعای صباح، دعای کمیل، دعای ندبه، دعای سمات، دعای مشلول، زیارت جامعه، کل این‌ها را حفظ کرده بودم. خدا رفتگان شما را رحمت کند،

خدا پدر من را هم بیامرزد،

آن خدا بیامرز ما را وادار کرد، با زور پول، این پول عامل و محرک عجیبی است.

؟؟؟ 33 جل جلاله الپول

همه را به کار وا می‌دارد. پدر من در مقابل حفظ یک خطبه نهج البلاغه، به من ده شاهی می‌داد، برای خطبه‌های بزرگ، ما چانه می‌زدیم و یک قران و سی شاهی می‌گرفتیم.

اما ده شاهی آن‌وقت می‌دانید چقدر بود؟ با ده شاهی آن‌وقت بیست عدد تخم مرغ می‌خریدیم، تخم مرغ الان دانه‌ای چهار قران است بیست عدد آن هشت تومان می‌شود. پول‌ها پائین آمده است.

ده شاهی به ما می‌داد خطبه جهادیه را حفظ می‌کردیم، ده شاهی دیگر می‌داد خطبه فلان را حفظ می‌کردیم. همین‌طور ما را به حفظ کردن وا داشت. دو قران به من داد، زیارت جامعه را حفظ

کردم. بعد هم هروقت حرم می‌رفت من را با خود می‌برد، می‌ایستادم، من زیارت جامعه را از حفظ می‌خواندم، یک عباسی، یعنی دو سنار به من می‌داد.

دعای ندبه، دعای مشلول، دعای سمات، دعای صباح، همه را حفظ بودم، حالا فراموش کرده‌ام.

این دعاها را حفظ کنید، زیارت امام زمان را حفظ کنید. هر صبح بعد از نماز خود، متوسل به امام زمان بشوید، سلام بدهید، شما نوکر او هستید، هر صبح باید سلام به ارباب خود بدهید. تا او به شما توجه کند، تا او شما را در تحصیلات کمک کند. هر شام، هر عصر، آن زیارت «سلام علی آل یس السلام علیک یا داعی الله» را بخوانید.

اگر تنبلی، کسلی یا مهملی، قدر مسلم قطعی قطعی، طلبه‌ها این حرف‌ها را از من می‌شنوید، عمل کنید، و الله العلی العظیم در علم طیر خواهید کرد نه سیر خواهید کرد، پرواز خواهید کرد. لااقل لااقل لااقل روزهای دوشنبه و پنج شنبه این زیارت را بخوانید.

«سلام علی آل یس»

با اقیانوس علم خدا، با اقیانوس قدرت خدا، با اقیانوس عظمت خدا، با اقیانوس حلم خدا، با اقیانوس کمالات خدا، یعنی امام زمان، اتصال پیدا کنید. این حرف‌های امشب من را ساده نگیرید، خیال نکنید من می‌خواهم منبر تحویل بدهم،

خیر،

صحبت منبر تحویل دادن نیست. صحبت سفارش کردن، توصیه کردن، جداً، اکیداً، شدیدا، از شما می‌خواهم، زیرا شما را دوست می‌دارم. خدا می‌داند شما را دوست می‌دارم، به خاطر علاقه به شما است که اینجا منبر می‌آیم. دلم می‌خواهد آنچه را در دوران عمر فهمیده‌ام به شما ساده بگویم.

نان و آب از دهان شما می‌افتد، امام زمان نباید بیافتد. پدر و مادر اگر از فکر شما دور می‌شود، امام زمان نباید دور شود. در تمام مباحثات خود، اول که می‌خواهید مباحثه کنید، طرفین مباحثه متوسل به امام عصر شوید. درس می‌خوانید، اول متوسل به امام عصر بشوید.

مرحوم میرزای نایینی در ابتدا درس خود تا توسل شدید به امام عصر پیدا نمی کرده است، وارد درس گفتن نمی‌شده است. شاگردان وی نیز، آن‌ها که من نزد آنان درس خواندم، همین‌طور بودند. موقع درس گفتن اول متوسل به امام عصر، موقع درس گوش دادن همین‌جا که می‌نشینید،

خدا به حق پیغمبر ان‌شاءالله همه شما را حفظ کند،

همان اول یک دعایی و توسلی به امام زمان بجویید. به تکرار این اعمال، شما با حضرت پیوند می‌گیرید. به تکرار این اعمال، نورانیت قلب شما زیاد می‌شود، روحانیت پیدا می‌کنید. به تکرار این اعمال، بالا که رفتید، شما نایب الامام می‌شوید. مگر هرکس چهار کلمه یاد گرفت نایب الامام است؟

این را من جرأت می‌کنم بگویم، شاید منبری‌های دیگر جرات نکنند، چون من خود اهل فن هستم، هرکس چهار کلمه از بلاغت و استصحاب بلد بود، چهار کلمه مباحث از الفاظ و اصول ادله عقلیه را بلد بود، او نایب الامام است؟

نایب الامام باید در علم و تقوی نماینده امام باشد. باید در معنویت و روحانیت و تقوی و قداست، نسبت به همان پایه علم خود، باید تقوای او هم آن‌طور باشد. اگر نبود، یک غاز به درد نمی‌خورد. اگر نبود، پوست پیاز است. در نظر بنده، آن عالمی که ارتباط با امام زمان خود نگیرد و لو علامه دهر باشد، یک غاز قیمت ندارد.

یک چیزهایی این‌جا است که من بیشتر از این نمی‌توانم بگویم. حرف خیلی است، یک دنیا حرف و مطلب دارم ولی آن‌قدری که می‌شود به شما در بالای این منبر و در این جمع گفت، همین مقدار است.

اگر به امام زمان خود چسبیدید، شما ملای شیعه هستید. شما به حال مردم مفید خواهید بود، اگر نچسبیدید علاوه برآن‌که مفید نیستید، مضر هم ممکن است باشید. باید صاحب شما، شما را از خطاها و خطرات و اشتباهات نگه‌داری کند، وقتی این اتفاق می‌افتد که شما به او چسبیده باشید تا شما را حفظ کند.

یک قصه برای شما بگویم:

شیخ مفید رضوان الله علیه از علماء بزرگ شیعه است. از ناحیه مقدسه حضرت بقیه الله اروحنا فداه برای شیخ مفید، توقیع صادر شد، نامه آمد، در سر آن نامه این عبارت نوشته شده بود:

«ایها الاخ الرشید و الولی السدید الشیخ المفید» [11] ،

ای برادر با رشد من،

امام زمان نوشته بود. طلبه‌ها فهمیدید؟ باید این راه را بروید. که امام زمان بگوید: برادر من، بگوید: بچه من، بگوید: نوکر من، بگوید: سگ در خانه من، او بگوید و الا یک همبون اصطلاحات است. سنی‌ها از این اصطلاحات زیاد دارند. ؟؟؟ 41:15 در اصول مطالب بی‌خود گفته‌اند.

عرض کنم که مرقوم فرمودند:

«ایها الاخ الرشید» ای برادر با رشد من،

«و الولی السدید» ای دوست صمیمی محکم من، ای شیخ مفید،

او چنین کسی است. توقیع مفصل است نمی‌خواهم بگویم.

این بزرگوار بر مسند فتوی نشسته بودند، مسند فتوی دادن هم، تخت استاد حمام نیست که هرکس آن‌جا بنشیند و فتوی دهد. حالا نمی‌خواهم در شرایط فتوی وارد شوم، چه کسی حق فتوی دارد؟

باید به صفای سِر خود از خدا استفتاء کند، روحانیت قلب به این پایه باید برسد.

ایشان در مسند فتوی نشسته بودند، یک روز آمدند از ایشان سئوال کردند،

آقا، زنی مرده است، حامله بوده است، چه کار کنیم؟

گفت: بروید او را دفن کنید.

بردند که او را دفن کنند، در بین راه که می‌رفتند یکی آمد به آن‌ها گفت: آقا می‌فرمایند شکم زن را بشکافید، کودک او را بیرون بیاورید و بعد او را دفن کنید.

شکم او را شکافتند و کودک را بیرون آوردند، یک نوزاد گل، زنده پاکیزه‌ای بود. کودک را نگاه داشتند و مادر را دفن کردند. بعد از چندی، همان‌ها خدمت شیخ مفید آمدند و به شیخ عرض کردند: آقا، ما در موضوع آن متوفی، آن زن معصومه، حسب الامر مبارک، شکم را شکافتیم بچه را بیرون آوردیم، بچه هم، یک بچه نقل دسته گل خوبی است، الان زنده است.

شیخ تعجب کرد که عجب اشتباهی ما کرده‌ایم. من که کسی را نفرستاده بودم، چه کسی بوده که فرستاده است؟

لا اله الا الله، عجب غفلتی شده است، بایستی می‌گفتم شکم را بشکافید و بچه زنده را بیرون بیاورید، بعد دفن کنید، نزدیک بود ما قاتل خونی بشویم. کدام پدر بیامرزی بوده که مطلب را می‌دانسته و آن‌ها را آگاه کرده است.

با خود تعهد کرد، گفت: چون از این غفلت‌ها ممکن است برای من حاصل شود و براثر یک غفلتی، داخل در خون ناحقی شده باشم، فتوی نمی‌دهم.

وای اگر انسان حرفی بزند، یا قدمی بردارد و خونی به ناحق بریزد، روز قیامت باید جواب این خون را بدهد. جوان‌ها، پیرها، طلبه‌ها، علماء، مواظب باشید حرفی از دهان شما بیرون نیاید که چهار نفر جوان را به کشتن بدهید. خون آنان به گردن شما است. به هر حالت،

ای داد بی‌داد، من عجب غفلتی کردم. تعهد کرد که دیگر فتوی ندهد.

زیرا فتوی گاهی غفلتاً اسباب ریختن خون ناحقی می‌شود، دیگر فتوی نداد.

بعد از چند روز توقیعی از حضرت آمد:

«شیخنا منک الافتاء و علینا التصحیح»،

تو بنشین و فتوا را بده،

یعنی تو مال ما هستی، تو چسبیده به ما هستی. ما نگهبان تو هستیم. تو فتوا را بده،

از تو فتوی دادن و بر ما نگه‌داشتن، اگر یک وقتی غفلتی بکنی ما نگهبانی و نگهداری می‌کنیم، ما نمی‌گذاریم بر اثر غفلت، شما در خونی شریک باشید، ما نگهبان تو هستیم، تو فتوا را بده، از تو فتوی دادن و بر ما است نگهداشتن اگر یک وقتی غفلت بکنی ما نگهداری می‌کنیم. ؟؟؟ 45:55

نمی‌گذاریم در اثر غفلت تو سبب شده باشی برای قتل نفسی یا هتک عرضی، یا به باد داده شدن مالی.

چون در سه جا اصل از برائت به احتیاط و اشتقاق منقلب است، در دماء و اموال و پول.

همه فقها می‌گویند. در جاهای دیگر، اصل برائت است، در این سه جا اصل از برائت به اشتقاق منقلب است.

لذا در موضوع اموال مردم و موضوع اعراض مردم و خون مردم باید احتیاط شدید کرد. خیلی باید احتیاط کرد.

مرقوم فرمودند: «منک الافتاء و علینا التصحیح»، تو فتوی بده، اگر اشتباه کرده باشی، ما آن را رفع می‌کنیم.

طلبه‌ها، من دلم می‌خواهد شما این راه را بروید. من دلم نمی‌خواهد چهار کلمه «ضرب زید عمرا» را بلد شده باشید، چهار تا کلمه اصطلاحی ادبیت را بلد شده باشید، یا سه تا کلمه اصول ؟؟؟ 47:20 بحث مقدمه واجب، اصل برائت را بلد شده باشید.

من می‌خواهم از همان اول، شما با پیوند به صاحب دین، وارد شوید. از همان اول که مصدر اصل کلام است و از زید نه وجه باز می‌گردد که اشتباه کرده است، از زید سیزده وجه باز می‌گردد، زیرا اسم زمان، اسم مکان، مصدر میمی، اسم آلت، همه از مصدر، اشتقاق پیدا می‌کنند. چهارده تا است،

از همان اول تا آن وقتی‌که ان‌شاءالله الرحمن به استنباط احکام از کتاب و سنت برسید، دلم می‌خواهد زیر سایه امام عصر باشید. در پناه آن حضرت بروید که هم علم شما از خطا مصون و مامون باشد و هم قلب شما از کدورت‌ها، قساوت‌ها، ظلمت‌ها، هوی و هوس‌ها، شهوت‌ها، حب ریاست‌ها، که لعنت بر این حب ریاست، این حب ریاست آتش بگیرد. نه تنها دین صاحب خود را به باد می‌دهد، دین و دنیای مردم را هم حب ریاست به باد می‌دهد.

ملا نباید حب ریاست داشته باشد. این را بدانید، حب ریاست برای ملا بزرگترین خطر است. هم برای خود او و هم برای عوام، خطر دینی دارد و من دلم می‌خواهد شما آقازاده‌ها، این حرف‌ها را هیچ‌کس از منبری‌ها به شما نمی‌گوید، یا جرأت نمی‌کند بگوید یا ملاحظه می‌کند. بنده نه ترس دارم و شما را هم دوست می‌دارم.

از همین حالا باید شما پشت سر امام زمان بروید. از حالا باید مدد از امام زمان بگیرید. از حالا باید خود را به امام زمان بچسبانید.

یک راه چسباندن هم دعا است، زیارات است، نیابت از حضرت است. اگر هفته‌ای یک نوبت به به زیارت حضرت سیدالکریم حضرت شاه عبدالعظیم، یا زیارت امامزاده حمزه می‌روید، به نیابت امام زمان بروید. همین‌جا در مدرسه وضو بگیرید، با حال طهارت، به عنوان این‌که حضرت تشریف آورده‌اند، ده تومان به شما داده‌اند، گفته‌اند: آقا شیخ محمد تقی، این ده تومان را بگیر، حضرت عبدالعظیم برو، یک زیارتی به عنوان من کن. خود را نایب حضرت بدان. به عنوان نیابت از امام زمان برو سر قبر حضرت سیدالکریم، یازده قل هو الله بخوان. این زیارات معلوم نیست از امام ماثور باشد، اگر هم خوانده می‌شود، عباراتی است، رجا مطلق است، یازده تا قل هو الله، هفت انا انزلنا، قدری سور قرآن، یس، برای سیدالکریم عبدالعظیم به نیابت امام زمان بخوانید. می‌خواهی

به قم بروی، از همین جا وضو بگیر، به عنوان نیابت امام زمان، به زیارت عمه ایشان حضرت معصومه3 برو.

موفق شدی مشهد بروی، به نیابت امام زمان، شب جمعه دلت می‌خواهد سر قبور مؤمنین زیارت اموات بروی، به نیابت امام زمان برو.

طلبه‌ها، در کلیه اعمال مستحبه خود، خود را نایب امام زمان بدانید و به نیابت آن حضرت اعمال مستحبه را بجا بیاورید.

حال، همین دو سفارش من را گوش بدهید، اگر یک وقتی من به شما رسیدم، دیدم به آن‌ها عمل شده است، سفارش یک خورده‌ای بالاتر می‌دهم. در مطالعه خود، در مباحثه خود، در تدریس خود، در تدرس خود، باید ابتدای آن متوسل به امام زمان، انتهای آن دعا برای سلامتی و فرج امام زمان، باید بدو و ختم مطالعه شما، مباحثه شما، درس شما، چه مدرس و چه متدرس، توسل به امام زمان باشد. باید زیارت آن حضرت که در سراب وارد شده است، قدر اقل هفته‌ای دو روز دوشنبه و پنج‌شنبه بخوانید. باید همه روز تجدید بیعت با امام زمان کنید. با آن دعای توسل که در مفاتیح هم نوشته است، همه روز بخوانید.

فهمیدید چه گفتم؟

در نماز، در نماز، درنماز، از امام زمان فراموش نکنید. وقت خلوت شما است با خدا، «المصلی مناج ربه»، با خدا سر به گوشی می‌کنید، نجوا می‌کنید، آن‌جا به یاد امام زمان باشید. در دعای دست، دعای بر فرج امام زمان کنید، دعای سلامتی به امام زمان کنید. زیرا دعای دست، بخصوص یک دعای خاصی انحصارا نگفته‌اند، هر دعائی را شما می‌توانید در دعای دست بخوانید.

بهترین دعاها، دعا بر فرج حضرت و سلامتی حضرت، خاصه آن دعایی که در شب بیست و سوم امام صادق7 می‌خواندند و به شیعه هم دستور داده‌اند بخوانند:

«اللهم کن لولیک الحجه ابن الحسن»،

اگر تا سال آینده به همین عرایض امشب بنده عمل کردید، خود شما نفهمیدید که نورانیت و روحانیت شما زیاد شده است، حافظه شما زیاد شده است، موفقیت شما بیشتر شده است، سال دیگر نگذارید بنده به منبر بیایم. و اگر دیدید که شده است، خود شما می‌فهمید که در خودتان یک چیزی

پیدا شده است. روحانیتی در شما پیدا شده است، من هم می‌فهمم، آن‌وقت چیزهای دیگر به شما خواهم گفت.

خدایا به اسم اعظم خود در قرآن این طلبه‌هایی که در این‌جا مشغول درس هستند، پیوند آن‌ها را به امام زمان محکم بفرما.

نور ولایت را در قلب آنان، بیش از پیش متجلی بفرما.

آن‌ها را در زیر سایه امام زمان، از هر خطایی، اشتباهی، غفلتی، خطری، صدمه‌ای، از هر وسوسه شیطانی و حب ریاست حیوانی، خودت آن‌ها را حفظ فرما.

دیگر بس است،

شعری برای شما بخوانم و بعد روضه بخوانم. دیگر حال روضه خواندن هم ندارم.

علامه بحرالعلوم در آن قصیده مفصله خود، زبان حالی از امام حسین7 گفته است، که اغلب شما طلبه‌ها احتیاجی به معنا ندارید:

قال اقصدونی بنفسی و اترکوا حرمی   قد حان حینی

به عقیده من سخت ترین حالات امام حسین7 همین‌جا است، جایی است که امام حسین7 بلند بلند گریه کرد.

قال اقصدونی بنفسی و اترکوا حرمی   قد حان حینی و قد راح ؟؟؟ 56:20

لشکر،

شما با من جنگ دارید، من با شما طرف هستم،

در این کلمه هم بلند بنالید.

بی‌حیا مردم، به زن و بچه من چه کار دارید؟

ای وای،

بحق مولانا الحسین المظلوم7 و باهل بیته: و اصحابه الشهداء السعداء

یا الله

به مظلومیت امام حسین7 فرج ولی دم را نزدیک فرما.

چشم ما را به جمال نورانی امام عصر7 به زودی روشن بفرما.

ما را جزء یاران و خدمتگزاران وی، در دو عصر غیبت و ظهورش او بدار.

دل ما را از حب و ولای اهل البیت:، خاصه امام عصر مملو و سرشار بفرما.

قلب مطهر آن حضرت را از ما خوشنود گردان.

همه شیعیان، بل همه مسلمانان، در سایه امام زمان7، از خطرات، بلیات، خطئات، اشتباهات، حفظ بفرما.

شر کفار و ضر اشرار از مسلمانان دور فرما.

مسلمانان را بر همه کفار، لاسیما یهود عنود و نصاری جهود، غالب و مظفر و پیروز فرما.

گرفتاری‌ها و پریشانی‌ها، از عموم مسلمین، خاصه شیعیان دور گردان.

مریض‌ها را لباس عافیت بپوشان.

مرض نادانی از ما دور گردان.

رفتگان ما، ذوی الحقوق ما، آن کسانی‌که در این مسجد بندگی تو را کردند و یا تحصیل علم کردند، همه آنان که در پایه‌گذاری مسجد شرکت کردند و مردند، همه را رحمت فرما.

آن کسانی‌که در عمران ظاهری و باطنی این مسجد، کوشا و مُجد هستند، طول عمر، توفیق کامل، عز شامل به همه آنان مرحمت فرما.

سلسله جلیله روحانیین، در هر نقطه روی زمین هستند، موید، مسدد و معزز و معظم بدار.

طلاب و محصلین علوم دینیه در این محل مقدس، از جمیع آفات ظاهری و وساوس شیطنتی معنوی، حفظ فرما.

ایمان آنان را بیش از پیش بدار.

آقایان محترمین و بانوان مخدرات هر حاجت شرعی دیگر دارند برآور.

خدمات و عرض ارادت از مؤسسین مجلس و خدام مجلس، قبول بفرما.

بالنبی و آله.